انترناسیونال ۴۴۸

یاشار سهندی

صفحه بازتاب هفته

|  |
| --- |
| **نشستن باطل در واشنگتن**    "به راه باديه رفتن به از نشستن باطل  که گر مراد نيابم به قدر وسع بکوشم"  من نمیدانم شیخ اجل سعدی علیه رحمه چه حالی داشته که این بیت را سروده. اما کنفرانسی تحت عنوان "گذار به دموکراسی" در هفته گذشته در جرمی تاون واشنگتن برگزار شده که طیفی از اپوزیسیون از جنس سازگارا و نوریزاده دور هم جمع شدند تا عقل هایشان را روی هم بریزند و "آلترناتیوی" ساخته باشند. اما نتیجه آن بیتی از سعدی شده که نویسنده ای در سایت گویا آنرا نتیجه این کنفرانس دانسته است. ایشان ( بیژن صفت سری) تاکید میکند: "...الغرض بنا بر اظهارات برخی از برگزارکنندگان و ايضا شرکت کنندگان اين کنفرانس که در گفتگو با نگارنده ابراز داشتند، بر آيند اين کنفرانس دو روزه نيز همچون همه گرد همايی های اپوزيسيون خارج از کشورنه تنها حاصلی در اتحاد و همبستگی بين همين چند گروه شرکت کننده از بين گروه های بی شمار اپوزيسيون نداشته بلکه بر بی برنامه بودن اين گروه ها و افراد مدعی نجات وطن ، صحه گذاشت."  این کنفرانس ادامه کنفرانسی بود که چند ماه پیش در استکهلم "پشت درهای بسته" برگزار گردید و کسی هم نفهمید نتیجه چه شد فقط در پی انتقادات زیاد که باید شفاف بود و قس علیهذا، نوریزاده و بقیه اطمینان دادند که اتفاقی نیفتاده! و گفتند در کنفرانس واشنگتن جبران میشود و در آنجا درها باز است "اصحاب رسانه" حضور خواهند داشت و همه در جریان قرار خواهند گرفت و خیلی کسانی که به استکهلم دعوت نشدند، دعوت میشوند. هر چند گفته شد "آنان که دعوت نشدند از تحمل دگر اندیشان سرباز میزنند". بهرحال قرار بود ۶۰ نفر"دگر اندیش" با درجه تحمل بالا در واشنگتن حضور بهم رسانند و سرانجام بیشتر از ۲۰ نفر از مدعوین حاضر نشدند به کنفرانس بیایند و از "لزوم منسجم سازی کارهای سیاسی" بگویند و بشنوند. و معلوم شد که این ۲۰ نفر هم هر کس ساز خودش را میزند و هیچکس، آن دیگری را قبول ندارد. بهرحال تحمل دگر اندیشان کار ساده ای هم نیست!  بنابه گزارشات یکی گفته: "وظيفه اپوزيسيون چيزي جز آلترناتيو سازي نيست و نمي تواند باشد."  دیگری بیان کرده:" جنبش سبز هدفش ايجاد موازنه مثبت بين نيروهاي منتقد جمهوري اسلامي و نهايتا بازگشت اصلاح طلبان به نظام براي حفظ انقلاب و نظام ميباشد و هر گونه همکاري جنبش سبز و اصلاح طلبان  با گروهاي برانداز را منتفي و به ضرر آينده ايران" دانسته. یکی دیگر "ضمن بر شمردن مضرات انقلاب خواهان حفظ نظام کنوني جمهوري اسلامي با اندکي تغيیرات و ايجاد انتخابات آزاد شده." و شخص دیگری بر"لزوم برقراری فدرالیسم و حقوق برابر ملیت های مختلف تاکید داشتند ..." که همه این حرفها از سوی "متفکران" حاضر در جلسه مورد اعتراض بوده است. به همین دلیل آخر سر هم نفهمیدند که کنفرانس گذار را چگونه به پایان برسانند از لزوم سخنگو برای این جمعی گفتند که حتی نتوانستند دو کلام با هم صحبت شوند حال آلترناتیو سازی پیشکش شان.  نویسنده مذکور در سایت گویا و بسیار دیگر از کسانی مانند ایشان و مدعوین کنفرانس اعم از آنهایی که شرکت کردند و آنهایی که شرکت نکردند مدام گفتند "باید همدیگر را تحمل کنیم و با هم بنشینم گفتگو کنیم و آنچه به صلاح همگان است بپذیریم. از منیت خویش دست بکشیم اصلا دموکراسی یعنی همین که همه حرفهایشان را بزنند مسلما در این میان راه مناسبی پیدا میشود که به صلاح وطن باشد" اما چرا این طیف آدمها یا جریانات سیاسی هر وقت دور هم جمع میشوند حالا چه پشت درهای بسته چه جلو چشم اصحاب رسانه به جای نمیرسند. حقیقت این است "وسع" ایشان همین است. هدف "کنشگران مدنی" که میخواهند راه گذر به دموکراسی را کشف کنند رسیدن به مقامی است که هم اکنون مقامات جمهوری اسلامی دارا هستند یعنی سازمان دادن بساط استثمار توده زحمتکش مردم ایران. همه طرحهای ایشان مانند "محاصره مدنی برای انتخابات آزاد" (پیشنهادی در کنفرانس برای گذر!) یک روز هم دوام نخواهد آورد چرا که سی سال تجربه به مردم ایران ثابت کرده است پشت این قلنبه گویی ها نقشه شومی ریخته شده است. حتی برای یک لحظه هم به خودشان اجازه نمی دهند که یک خواسته روشن و مشخص را مطرح کرده و بگویند، چون اساسا قرار نیست کاری برای آسایش مردم انجام دهند اما به خودشان وعده دادند با گذار به دموکراسی "بهشت سرمایه" را احیا کنند که این دیگر از محالات است، برای همین همه "طرحهای مدنی" ایشان به جای نمیرسد. مردم ایران بعد از سه دهه مبارزه بی امان با یکی از هارترین رژیمهای کنونی جهان اکنون با وجود سرکوب شدید و کشتار بی امان به دستآوردهای زیادی دست یافتند که جنبشهایی مانند علیه سنگسار یکی از نمونه های بارز آن است بطوری که همه آیت الله ها ماندند چگونه این "حکم الهی" را که موجب "وهن اسلام" شده است را تعطیل کنند. این نوشته مجال نمیدهد که بیشتر به این گونه جنبش ها بپردازیم اما بهرحال بن بست اپوزیسیون راست و مشخصا نشست باطل در واشنگتن از بی افقی ایشان در جامعه نشات میگیرد نه عدم تحمل دیگراندیشان. |